

خبرنامه کمیته ایرانی مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

تظاهرات مردم زاهدان

روز سه شنبه اول فوریه، همزمان با برگزاری پانزدهمین سالگرد انقلاب اسلامی، دهها هزار تن از مردم زاهدان با حمله به اماکن و ادارات دولتی و هر آنچه نشانه‌ای از جمهوری اسلامی دارد، چراغانی و آذین بندیهای دولتی را درهم کوبیدند. روزنامه لیبرامیون چاپ پاریس دو روز بعد از این واقعه می‌نویسد پشت این تظاهرات، نارضایتی اقلیت سنی مذهب خویبده است.

روزنامه فیگارو (پاریس، سوم فوریه) در صفحه اول خود زیر عنوان (شورش علیه ملاحه) معتقد است که ایران وارد دوره توفانها می‌شود. این اولین بار است که مردم به صورت توده‌ای و در خیابانها به مخالفت با روحانیت شیعه برخاسته‌اند. مقامات و روزنامه‌های دولتی، طبق معمول مخالفت با خود را به استکبار جهانی و قدرتهای بیگانه نسبت داده و مدعی‌اند که یک توطئه «ضد انقلابی» را خنثی کرده‌اند.

این تظاهرات که چندین کشته و زخمی به جای گذاشت، رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخت (دو تن از مأموران رژیم در میان کشته شدگانند). صدها تن از مردم زاهدان دستگیر شده‌اند. به نوشته انقلاب اسلامی در هجرت (شماره ۳۲۷): «دراول اسفند سخنگوی قوای انتظامی از ۲۰ تن کشته، ۱۱ اتن مجروح و ۱۲۰ تن محبوس سخن گفت».

شهر زاهدان و منطقه توسط خبرگزاریها همچنان متشنج گزارش شده است. دو روز پس از تظاهرات، خبرگزاری رژیم گزارش داد که یک اتویوس در منطقه زاهدان مورد حمله «عناصر مسلح» قرار گرفت. در این حمله چهار نفر کشته و سه نظامی ربه‌ده شدند.

دادگاه بختیار (۲)

پس از دو سال تحقیق پیرامون قتل شاپور بختیار که در ششم اوت ۱۹۹۱ در منزل مسکونی‌اش در حومه پاریس کشته شد، سرانجام بازپرس فرانسوی ژان لویی بروگییر، روز هفتم فوریه ۱۸/۹۴ بهمن ۷۲، پرونده این قتل را برای تشکیل دادگاه در اختیار مقامات قضایی فرانسه قرار داد. سه تن از متهمان این پرونده، علی وکیل راد، مسعود هندی و ضیاء سرحدی هم اکنون در فرانسه زندانی هستند. شش تن دیگر که برای دستگیری‌شان حکم جلب بین‌المللی صادر شده است بطور غیابی محاکمه خواهند شد. این شش تن عبارتند از: فریدون بویراحمدی و محمد آزادی که مستقیماً در قتل بختیار شرکت داشته‌اند، حسین شیخ عطار مشاور وزیر پست و تلگراف و تلفن ایران، ناصر

قاسمی نژاد، حسین شوریده شیرازی و مسعود ادیب سوی تاجر ایرانی تبار مقیم ترکیه که همگی در سازماندهی فرار یا پنهان کردن تروریستها دست داشته‌اند.

مطابق تحقیقات بازپرس و دادخواست دادستان کل، نقشه قتل شاپور بختیار مستقیماً توسط دستگاههای امنیتی جمهوری اسلامی ایران ریخته شده است. بازپرس فرانسوی با استفاده از حافظه مراکز مخابرات در فرانسه و ترکیه توانسته است رد تلفنها و تماسهای عاملان قتل را در ایران، ژنو و استانبول پیگیری و آنان را شناسایی کند.

قتل شاپور بختیار مهمترین پرونده تروریستی یک دولت خارجی است که در خاک فرانسه دست به کشتار مخالفان سیاسی خود زده است. دادگاه مستول رسیدگی به پرونده قتل شاپور بختیار احتمالاً در نیمه دوم سال جاری میلادی در فرانسه تشکیل خواهد شد. (لیبرامیون، ۸ فوریه/ لوموند ۹ فوریه)

دستگیری چهار متهم به ترور در ترکیه

روزنامه ملیت چاپ استانبول در شماره ۱۲ فوریه ۲۳/۹۴ بهمن ۷۲ خود نوشت: پلیس ترکیه چهار نفر را به اتهام عضویت در یک گروه مخفی «اسلام گرا» دستگیر کرد. این افراد متهم هستند که مخالفین جمهوری اسلامی ایران را در ترکیه به قتل رسانده‌اند. دستگیر شدگان از اعضای گروهی به نام «عمل اسلامی» هستند که متهم به قتل سیاستمداران و روزنامه‌نگاران ترکیه شده است.

این خبر از قول مقامات پلیس ترکیه اضاف می‌کند دستگیر شدگان در ایران آموزش دیده‌اند و در سال ۱۹۹۲ برای کشتن دو نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در استانبول ۷۲ هزار دلار از مقامات دولت ایران دریافت کرده‌اند.

دو نفر ایرانی که دستگیر شدگان متهم به قتل آنها شده‌اند علی‌اکبر قربانی عضو سازمان مجاهدین خلق و عباس قلی‌زاده مأمور محافظ سابق محمدرضا شاه پهلوی بوده‌اند. در این گزارش به هویت و ملیت افراد دستگیر شده اشاره‌ای نشده است. (ایران تایمز، ۱۸ فوریه/ ۲۹ بهمن)

سنگسار دو زندان اوین

بنا به گزارش کیهان ۱۲ بهمن/ ۱ فوریه مینا کلوت به جرم خیانت و مشارکت در قتل همسرش در زندان اوین سنگسار شد. وی متهم بود که با پسر عموی خود عبدالحسین سیامک‌پور روابط نامشروع داشت و به اتفاق او،

همسرش حسین کیان را به قتل رسانده است. حکم «رجم» و اعدام هر دو آنها در یکی از شعب دادگاه کیفری یک تهران صادر شده و به تأیید دیوان عالی کشور رسیده است.

بعد از ظهر روز ۱۲ بهمن ابتدا حکم دادگاه در محوطه زندان اوین توسط بیژن آشتیانی منشی اجرای احکام و در حضور رئیس زندان، پزشک قانونی و نماینده دادستان خوانده شد و حکم «سنگسار» در مورد میناکلوت به اجرا درآمد.

بروده شدن و قتل اسقف هوسپیان مهر

هائیک هوسپیان مهر پروتستان ۴۸ ساله ایرانی، رئیس «شورای کشیشهای پروتستان» و ناظر عالی امور کلیساهای «مجمع ربانی» در نیمه‌های دی ماه در راه فرودگاه مهرآباد ناپدید و بیش از دو هفته بعد یعنی ۲۹ دی ۱۹/۷۲ ژانویه ۹۴ جسد وی در اطراف کرج پیدا شد. میدل ایست وچ در ۳۱ ژانویه در بیانیه‌ای که در آن خواهان تحقیق پیرامون بروده شدن و قتل اسقف هوسپیان مهر شده بود اعلام کرد «از درگذشت یک رهبر مذهبی که با سخن گفتن در باره آزار اعضای کلیسای انجیلی در ایران با مقامات ایران به مقابله برخاسته بود عمیقاً تکان خورده است». (ایران تایمز، ۱۵ بهمن/ ۴ فوریه).

یادآور می‌شویم که اسقف هوسپیان مهر مدتی پیش از ناپدید شدن برای آزادی مهدی دیباج کشیش دیگر ایرانی که به جرم گرویدن به مسیحیت به اعدام محکوم شده بود (شماره ۲ خبرنامه)، کوشش بسیار کرده بود. مهدی دیباج که خود از پیروان هوسپیان مهر بود پس از ده سال زندان سرانجام روز شانزدهم ژانویه ۹۴ به دنبال اعتراضات علنی اسقف هوسپیان نسبت به رفتار جمهوری اسلامی با اقلیتهای مذهبی و درخواست وزارت خارجه آمریکا، آزاد شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از یکی از بستگان اسقف هوسپیان، مقامات جمهوری اسلامی از کلیسای مجمع ربانی خواسته بودند که فعالیت خود را درباره تبلیغات مذهبی و اشاعه مسیحیت متوقف کند و پس از بی‌توجهی کلیسا به این اخطارها چند نمازخانه وابسته به مسیحیان پروتستان در ایران را تعطیل کردند. کلیساهای مجمع ربانی مرکز تجمع مسیحیان فارسی زبان و نوکیشان مسیحی است که اغلب پیش از این مسلمان بوده‌اند. تاکنون پنج کلیسای وابسته به این آئین در ایران تعطیل و یکی از کشیشان آن در ۱۹۹۰ اعدام شده است. اسقف هوسپیان مهر از جمله دو کشیشی بود که سال پیش از اعضای بیانیه‌ای که در آن کلیساها متعهد می‌شدند از پذیرش و گرویدن

مسلمانان به کلیسای مسیحی خودداری کنند، سر باز زد و نیز حاضر نشد اطلاعاتی را که در آن از خوش رفتاری جمهوری اسلامی با مسیحیان سخن رفته بود تأیید کند. او ضمن تدوین گزارشی دقیق پیرامون رفتار مقامات ایرانی با اقلیت‌های مذهبی و تجاوز به آزادی ادیان در ایران از آقای گالیندویل نماینده ویژه سازمان ملل خواستار سفر به ایران و بررسی این مسئله شده بود. (این‌دین‌دنت، ۹۴/۲/۱)

کتابی درباره ترور و سرکوب در جمهوری اسلامی ایران

مجموعه اسنادی در رابطه با فعالیت‌های تروریستی دولت جمهوری اسلامی ایران. بهرام. ر. سوئد. م ۱۹۹۳. ۱۹۴۲ ص. اسناد این کتاب، از نشریات و رسانه‌های گروهی فارسی و خارجی برگرفته شده است. در بخشی از کتاب فهرستی از ترورهای پرومیزی دولت ایران از سال ۹۳-۱۹۸۷ آمده: در کشورهای فرانسه، آلمان، سوئد، دوی، اتریش، پاکستان، قبرس، عراق، سوئیس، ترکیه و ایتالیا. در کتاب همچنین اطلاعاتی درج شده درباره گروه‌های تروریستی که دولت ایران برای انجام عملیات سرکوب مخالفین خود در خارج از کشور تربیت می‌کند:

اردوگاه‌های آنها، چگونگی آموزش و دوره‌های گوناگونی که می‌گذرانند از جاسوسی و ترور تا تخریب و دزدی.

این اطلاعات از اعترافات تروریست‌هایی که دستگیر شده‌اند به دست آمده است. بر اساس همین اعترافات روشن می‌شود که آموزش‌های تروریستی منحصر به ایرانیان نیست بلکه افرادی از کشورهای لبنان، عراق، ترکیه، افغانستان، لیبی و سوریه و... نیز در این اردوگاه‌ها آموزش می‌بینند و دولت ایران از آنها هم استفاده می‌کند.

فصلی از کتاب، به سلمان رشدی و فتوای خمینی درباره قتل او اختصاص دارد و به ترور مترجمین و ناشران کتاب آیه‌های شیطانی در نوروز، ژاپن و ایتالیا اشاره شده است. تهیه کننده کتاب در مقدمه می‌گوید:

«... این مجموعه شامل تمام ترورهای جمهوری اسلامی نبوده، بلکه گوشه‌ای از جنایات دولتی را نشان می‌دهد...»

تبرئه قاتلان یک بهائی

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، روز چهارشنبه ۶ بهمن/۲۶ ژانویه نمایندگان جامعه بهائیان آمریکا اسنادی را فاش کردند که نشان می‌دهد دو برادر به ناسهای سلیمان و رحمان عین‌الهی که یکی باغبان و دیگری ماسور انتظامی بوده‌اند یک مرد بهائی به نام روح‌الله قدسی را در شهر ری ربوده و خفه کرده، بعد آتش زده‌اند (سال ۹۲).

محمد غزوی حاکم شرع دادگاه شهر ری گفت مجازات این عمل اعدام است. وی گفت «جرم متهمین در قتل روح‌الله قدسی کاملاً محرز است ولی بر اساس یک فتوای آیت‌الله خمینی

یک مسلمان به خاطر یک ملحد و بی‌دین کشته نمی‌شود.» محمد غزوی تأیید کرد که «بر اساس تمام شواهد او یک عضو فرقه ضاله بهائی بوده و بنابراین موضوع قصاص کان لم یکم خواهد بود.» وی همچنین گفت که به خاطر مذهب مقتول، دیه به او تعلق نمی‌گیرد «بنابراین متهمین از مجازات اعدام و پرداخت دیه تبرئه می‌شوند.» او در سپتامبر ۹۳ دو برادر را به جرم برهم زدن نظم عمومی به هجده ماه زندان محکوم کرد که با احتساب پانزده ماهی که در انتظار محاکمه در زندان بوده‌اند سه ماه بعد آزاد شدند. (ایران تایمز، ۴ فوریه ۹۴)

کمیته دفاع از امیرانتظام

اخیراً در شهر واشنگتن (آمریکا) کمیته‌ای در دفاع از عباس امیرانتظام تشکیل شده است (۱۲/۱۲/۹۳).

امیرانتظام که اکنون بیش از ۱۴ سال است در سخت‌ترین شرایط در زندانهای رژیم به سر می‌برد و در مقابل انواع فشارهای جسمی و روحی مقاومت کرده است، سال گذشته ضمن نامه‌ای در تشریح وضعیت خود، خواستار محاکمه علنی و رسیدگی به اتهامات خود شد و این نامه به پیوست گزارش قبلی گالیندویل درباره حقوق بشر در ایران منتشر گردید.

اخراج دو تروریست ایرانی: شکایت دولت سوئیس

دولت سوئیس به دنبال اعتراضات رسمی خود به دولت فرانسه در مورد اخراج دو ایرانی متهم به قتل کاظم رجوی، تصمیم گرفته است موضوع شکایت خود را از طریق قانونی دنبال کند و به این منظور از شورای دولتی فرانسه که بالاترین مرجع رسیدگی به اینگونه امور است درخواست کرده است که این تصمیم دولت فرانسه را لغو کند و خواهان استرداد متهمان شده است.

از نظر مقامات سوئیسی اقدام دولت فرانسه نقض آشکار «پیمان اروپا در مورد استرداد مجرمان» است که در ۱۹۵۷ بین دولت‌های اروپایی به امضا رسیده است.

وزیر دادگستری سوئیس گفت با آنکه هیچگونه توهمی در مورد بازپس گرفتن متهمان به تروریسم از دولت ایران ندارد ولی پیگیری این شکایت را به دلیل رعایت اصول و حفظ اعتبار همکاری‌های بین‌المللی در امور جنائی ضروری می‌داند. (لیپراسمیون ۱۷ فوریه ۹۴/۲۸ بهمن ۷۲) رولان شاتلن بازپرس ماسور رسیدگی به پرونده قتل کاظم رجوی پیش از این اعلام کرده بود که «یک یا چند سازمان دولتی ایرانی مستقیماً در قتل کاظم رجوی دست داشته‌اند» (قیام ایران، ۲۲ بهمن/۱۰ فوریه). شایان توجه است که شبکه تلویزیونی «اس. آر. جی.» سوئیس که در نوامبر ۹۳ یک قرارداد همکاری با جمهوری اسلامی بسته بود، در پی گزارش دادستانی پاریس مبنی بر استفاده جمهوری اسلامی از خبرنگاران ایرانی وابسته به خود برای فراهم

ساختن امکانات و شناسائی افراد در عملیات تروریستی، کلیه همکاری‌های خود را با جمهوری اسلامی متوقف کرد. (ایران تایمز، ۱۵ بهمن ۹۴/۴ فوریه ۹۴)

شلیک به هاشمی رفسنجانی

هنگام سخنرانی هاشمی رفسنجانی در مراسم یادبود انقلاب ایران (۱۲ بهمن/۱ فوریه) فردی به نام کورش نیک اختر به شلیک چند گلوله اقدام نمود. به گزارش خبرگزاری رسمی ایران گلوله‌ها هوایی بوده و متهم طی بازجویی اعتراف کرده که تنها قصد بر هم زدن مراسم را داشته است (هرالد تریبون، ۲ فوریه ۹۴).

به گفته بعضی از شاهدان عینی هاشمی رفسنجانی هنگام وقوع حادثه به هیچوجه هدف گلوله نبوده است (فیگارو، ۳ فوریه ۹۴). با این حال دو روز بعد مقامات رسمی جمهوری اسلامی اعلام کردند که هدف از شلیک گلوله‌ها ترور هاشمی رفسنجانی بوده است. رادیو تهران به نقل از یکی مسئولین سرویس‌های امنیتی ایران اعلام نمود که در همین رابطه عده‌ای از افراد وابسته به «یک گروهک ضد اسلامی و ضد انقلابی» دستگیر شده‌اند. به گفته همین مقام مسئول این عمل تروریستی «در چارچوب یک توطئه برنامه‌ریزی شده» صورت گرفته است.

همین مقام مسئول می‌افزاید که افراد دستگیر شده پیش از این نیز تلاش کرده بودند تا نسبت به جان هاشمی رفسنجانی هنگام نماز جمعه تهران سوء قصد کنند و شلیک گلوله به سوی جایگاه هاشمی رفسنجانی در مراسم سالگرد انقلاب تنها به علت واکنش به موقع مردم به هدف اصابت ننمود (لوموند، ۵ فوریه). خبرگزاری رویتر در ۱۹ بهمن به نقل از علی فلاحیان گزارش داد که یکی از دستگیرشدگان دارای ارتباط با چند سفارتخانه خارجی بوده است که به دلایل امنیتی نام او فاش نمی‌شود (کیهان هوایی، ۱۶ فوریه). مجله اکونومیست طی تفسیر کوتاهی از این حادثه، آنرا بیشتر نشانه عدم ثبات سیاسی در رژیم اسلامی ایران ارزیابی نموده است. این مجله (۱۲ فوریه/۲۵ بهمن) با اشاره به این واقعه اضافه می‌کند که استنباط عمومی این است که تغییر رسمی در درون جمهوری اسلامی در حال شکل گیری است.

پنجمین سال حکم قتل رشدی

چهاردهم فوریه مصادف با پنجمین سال صدور حکم قتل سلمان رشدی توسط آیت‌الله خمینی است. نخست وزیر انگلستان طی بیانیه‌ای لغو این حکم را از جمهوری اسلامی خواستار شد اما مقامات ایرانی همچنان بر ضرورت اجرای این حکم تکیه کرده‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای یادآور شده است که «فتوای قتل رشدی باید بدون توجه به نتایج آن اجرا شود...» علاوه بر این حسن صانعی سرپرست

برای اعدام نویسنده انگلیسی هندی‌الاصول تعیین کرده است، در مصاحبه‌ای با روزنامه جمهوری اسلامی (۳/۱۲/۷۲) اعلام کرد کسانی که از لغو فتوای اعدام سلمان رشدی

طرفداری می‌کنند مجازات می‌شوند. وی همچنین گفت اگر هرکسی که در مسافرت‌های رشدی حضور دارد او را بکشد مبلغ دیگری به جایزه تعیین شده اضافه خواهد شد.

در پنجمین سال صدور حکم قتل رشدی در بسیاری از کشورها اقداماتی در همدردی و همراهی با نویسنده آیه‌های شیطانی صورت گرفت. رشدی در مصاحبه‌های اخیر از تحول وضع خود خوشبینانه سخن گفت. او در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که دولت نیروی ضارب ناشر نیروی آیه‌های شیطانی را به ایران بازگردانده است.

بقیه دادگاه برلین...

اشاره می‌کند و می‌گوید بعد از ترور، شوقی عطریس دو پاسپورت جعلی برای امین و حیدر آورد که بتوانند از آلمان خارج شوند، آنها قبلاً عکسهای حیدر و امین را به جای عکسهای اصلی پاسپورتها چسبانده بودند.

قاضی دادگاه از این افسر پلیس می‌پرسد آیا شما هنگام بازجویی به امین قول دادید که در قبال اعترافات و حرفهایی که شما می‌خواهید او بزند، آزادش می‌کنید؟

- چنین قولی از طرف ما داده نشده است. در مورد دارابی هم با اینکه می‌ترسید ولی خودش حرف زد و گفت که دارابی همه کاره است. او در ابتدای اعترافات خود می‌ترسید از دارابی حرف بزند.

- امین ادعا کرده برای حرفهایی که زده، از شما پول گرفته است.

- دروغ محض است.

در آخرین جلسه شهادت سیمونز، بعد از یک سوال و جواب طولانی بین یکی از وکلای امین و سیمونز، خود امین با شاهد وارد گفتگو می‌شود. او سعی می‌کند سیمونز را تحت فشار بگذارد تا قبول کند که به او پول و وعده آزادی داده‌اند. حتی می‌گوید او خود داوطلب اعتراف نشده و او را وادار کرده‌اند حرفهایی را که گفته بزنند. و سیمونز همه ادعاهای او را رد می‌کند.

بعد از مدتی امین حالتی ستاصل و خست به خود می‌گیرد و به شاهد می‌گوید من یک چیزی می‌گویم که آنرا آویزه گوش کنید و به ریاستان هم بگویید: شما نباید من را فدای منافع خودتان یعنی آلمان و ایران و کشورهای دیگر بکنید. دارابی و دیگران برای من سهم نیستند، آنچه برای من سهم است خودم و خانواده‌ام است... در خیابانهای برلین از هر که پرسید می‌دانند که دارابی تاجر بزرگی است، زنش از خانواده بزرگی است...

رئیس دادگاه از شاهد می‌پرسد آیا امین هنگام اعترافاتش هم احساساتی می‌شده است؟

- او هنگام ذکر اسامی افرادی که در ماجرا نقش داشتند کاملاً خونسرد و آرام بود و تنها هنگامی احساساتی می‌شد که با خانواده‌اش صحبت می‌کرد یا از آنها حرف می‌زد.

در ادامه بررسی حرفهای امین در دادگاه، در ۱۰ فوریه ۲۱ بهمن، افسر جانشین سیمونز در بازجویی از امین، آقای فان ترک به دادگاه احضار شد. از خلال شهادت این افسر نیز نقش دارابی به عنوان عامل دولت ایران در حرکات تروریستی این دولت در خارج کشور، روشن شد.

شاهد در مورد پولهایی که امین در بازجوییهای

خود مطرح کرده است گفت: او یکبار در خانه دارابی شنیده که حیدر و شریف از ۳۳۰۰ مارک پول صحبت می‌کرده‌اند، برای خرید اتومبیل فرار، از ۲۰۰۰ مارک دیگر هم حرف می‌زند و می‌گوید حیدر می‌خواسته آنها را به او بدهد و او قبول نکرده بوده، بعد حیدر گفته که این پول مال رایبل است و وقتی رایبل از لبنان برگشت او باید این پول را به او بدهد. امین ادعا می‌کند فقط پولی را که روز اول به او دادند تا برای خود لباس بخرد قبول کرده است. شاهد از قول امین گفت که او در ۲۴ سپتامبر، در خانه دارابی، در صحبت بین حیدر و شریف شنیده که همه این پولها را دارابی که «رئیس همه است» تهیه می‌کند، آنها از دارابی به عنوان حاجی نام می‌برده‌اند. او گفته که دارابی با مرسدس خود آنها را به خانه و محل جنایت می‌برده است. امین همچنین از رابطه نزدیک دارابی با سفارت ایران حرف زده است و اینکه دارابی در مواقعی مثل عیدهای مذهبی یا عاشورا برنامه‌هایی ترتیب می‌داده است.

فان ترک در این جلسه دادگاه از قول امین نقل کرد که روز ۱۷ سپتامبر وقتی اسلحه‌ها را دیده از دوستانش پرسیده که چکار می‌خواهند بکنند و رایبل پاسخ داده که تو کار مهمی نمی‌کنی فقط دم در می‌ایستی و شریف انگشتش را روی دهانش گذاشته و گفته باید دهانت را ببندی والا خدا به دادت برسد.

امین همچنین گفته که دارابی روز قبل از ترور در ماشین به شریف گفته که به غرب آلمان می‌روم و به او گفت «وقتی همه چیز تمام شد به من زنگ بزن». دارابی تاکید کرد که «همه چیز را بایستی پاک کنید، چون اگر اتفاقی بیفتد خانه را می‌گردند. اگر سراغ مرا گرفتند بگو (خطاب به امین) که من در غرب بوده‌ام».

این افسر گفت که همسر امین در یک ملاقات به امین گفته که همه خانواده‌اش از طرف ایرانیها مورد تهدید قرار گرفته‌اند. فان ترک گفت امین در یکی از بازجوییهایش در مقابل اینکه به او گفتیم شهود می‌گویند تو با سلسل شلیک کرده‌ای، گفت «من در بیرون ایستاده بودم، رایبل و دارابی می‌توانند این را تأیید کنند. اگر من سه نکته‌ای را که می‌دانم بگویم آنها مجبور می‌شوند حرف بزنند. من راجع به دارابی خیلی چیزها می‌دانم. در دادگاه همه چیز را بخواهم گفت».

بعد از این حرفها متهم در بازجویی تاکید کرده است که وقتی در ۹ سپتامبر به برلین آمده بوده بوده، طراحی ترور صورت گرفته بوده است و این در تناقض است با اینکه او قبلاً گفته بوده فقط وقتی صدای تیر را شنیده از ماجرا با خبر شده است.

در جلسه ۲۲ بهمن/۱۱ فوریه هنگام شهادت فان ترک، وقتی آقای دبیران عضو شورای مقاومت ملی وارد سالن دادگاه می‌شود، یوسف امین شروع به فحاشی به او می‌کند و برای بار دوم تکرار می‌کند که دبیران با شریف رابطه دارد. بار اول در جلسات قبلی دادگاه بوده است - و حتی او را به نوعی تهدید می‌کند و وقتی رئیس دادگاه امر به سکوت می‌دهد به او هم پرخاش می‌کند.

دادستان می‌گوید تمام این این موارد باید در صورت جلسات دادگاه ثبت شود و مورد ملاحظه قرار بگیرد.

ایران پشت سر ماست

در جلسه بعدی دادگاه یعنی در روز ۱۷ فوریه/۲۸ بهمن ابتدا رئیس دادگاه از معذرت خواهی امین صحبت کرد و گفت امین در نامه‌ای خطاب به دادگاه نوشته است که قصد تهدید هیچکس را نداشته و از رفتار خود در جلسه قبلی عذرخواسته است. پس از آن دکتر بایر بازپرس پرونده می‌کونوس به جایگاه شهود دعوت شد و به سئوالات دادگاه در مورد بازجوییهای امین پاسخ داد. شهادت او در روزهای ۱۸، ۲۴ و ۲۵ فوریه نیز ادامه داشت.

وی ضمن شهادت خود گفت در بازپرسی ۱۰ نوامبر ۹۲ امین اظهار کرد که یکبار در خانه دارابی شنیده که حیدر و رایبل با هم گفتگو می‌کرده‌اند، حیدر گفته حالا فرض کنید اتفاقی بیفتد و تو شریف دستگیر بشوید... و رایبل جواب داده است اگر هم این اتفاق بیفتد، ایران پشت سر ما ایستاده است، و تو و امین هم که با این قضیه کاری ندارید. این شاهد نیز روی ترس امین از دارابی و «دوستان» او تکیه کرد و گفت ترس امین حتی با دستگیری دارابی نیز از بین نرفت، او در بازپرسی ۱۰ نوامبر ۹۲ می‌گفت «محمد و حیدر و شریف هنوز آزاد هستند».

در ادای شهادت بازپرس، رئیس دادگاه مجدداً به یادداشتی که آشکارا به نقش دولت ایران در جنایت می‌کونوس اشاره داشته و در دسامبر ۹۲ از داخل پرونده برداشته شده است اشاره کرد و پرسید که آیا یادداشت جایگزین با آن مطابقت داشته است یا خیر؟

- بله، کوتاهتر و مختصرتر شده است. اما در مورد رایبل و امین انطباق دارد، در مورد اقامت در شهر رایبل انطباق دارد، در مورد اینکه رایبل و یک ایرانی ترور را انجام داده‌اند انطباق دارد و با اثر انگشت روی سلاح نیز که در یادداشت اولیه درباره آن صحبت شده بود کاملاً انطباق دارد.

موافقت آلمان با شهادت اشمیت باوئر

دولت آلمان با ادای شهادت اشمیت باوئر در دادگاه برلین موافقت کرده است. (کیهان هوایی، ۶ بهمن ۷۲)

اشمیت باوئر مشاور امنیتی صدراعظم آلمان است و در گرماگرم تشکیل دادگاه برلین، ملاقات او با فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت ایران، سر و صدا و واکنشهای زیادی در مطبوعات آلمان برانگیخت.

طبق خبر دیگری، در مورد یادداشت عوض شده در پرونده می‌کونوس، دولت آلمان روز ۲۱ ژانویه این مسئله را تکنیه کرد. یک سخنگوی دولت آلمان گفت: «با موافقت دادستان، مدرک مذکور با مدرک مشابهی که تنها فاقد اسامی و منابع کسب اطلاعات استر عوض شده است.»

نشانی کمیته:

Comité Iranien contre la répression et le terrorisme d'État (C. I. C. R. E. T. E.)
42 RUE MONGE
75005 PARIS

در این عملیات شرکت کرده است از قول امین می‌گوید وقتی رایبل و شریف گفتند به برلن بیاید فکر کرده کاری برایش پیدا کرده‌اند، مثل دفعات قبل که دارایی برای او کارهایی پیدا کرده بوده است و فقط بعد از شنیدن صدای شلیک به ماجرا پی برده است.

اظهارات این افسر آلمانی بیش از پیش شرکت دارایی و دولت ایران را در این ترور روشن کرد. او گفت گذشته از اطلاعاتی که پلیس آلمان در مورد دارایی داشته است اظهارات امین نقش او را در این ترور کاملاً روشن کرد. یکی از نکاتی که سیمونز در جریان شهادت خود به آن اشاره کرد حرفه‌ای بودن تروریستهاست. او از قول امین می‌گوید: «... شریف همیشه مواظب بود اثر انگشتی از خود به جا نگذارد. او همیشه دستمالی به دست داشت تا هر چیزی را که لمس می‌کند بعداً پاک کند، او حتی دستگیره در را هم با یک پارچه می‌گرفت.» امین در بازجویی‌هایش گفته به نظر او شریف از ایران برای این کار آمده بوده و در خانه دارایی اقامت داشته است. شاهد در یکی از جلسات به چگونگی تهیه پاسپورت برای امین وحیدر (راننده اتومبیل فرار)

به دستگیری متهمان و تأیید اثر انگشت روی سلاح شد. با مطالعه پرونده‌های دیگری که مربوط به تروریسم دولتی بود دیدیم که این جنایت ابعاد وسیعی دارد و در ارتباط با اتباع ایرانی است.

ما روی تمام موارد از جمله اختلافات گروه‌های کرد با هم مطالعه می‌کردیم ولی تحقیقاتمان بطور عمده روی تروریسم دولتی متمرکز بود چون موارد مشابه آنرا قبلاً هم مشاهده کرده بودیم. ما پرونده‌های دیگری را که مربوط به تروریسم دولتی بود مطالعه می‌کردیم مثل جریان ترور وین.

سیمونز در جلسه اول بهمین نیز در دادگاه حاضر شد و به این اشاره کرد که یوسف امین در عین این که می‌ترسید بعداً از او انتقام بگیرند ولی اعتراف کرد چون فکر می‌کرد اگر اعتراف کند زودتر آزاد می‌شود. سیمونز در مقابل این سؤال که چرا متهم

حاکمه متهمان به ترور جمعی ۱۷ سپتامبر ۹۲ در رستوران میکونوس، در دادگاه برلین اداه دارد. در این دادگاه که از اواخر اکتبر ۹۳ شروع شد پنج نفر به اتهام ترور دکتر شرفکندی، فتاح عبدلی، همایون اردلان و حسین نوری دهکردی، محاکمه می‌شوند. متهمین یک ایرانی به نام کاظم دارابی و چهار لبنانی یا دارنده گذرنامه لبنانی هستند: یوسف امین، عباس رایبل، عطاءالله ایاد و محمد ادیس. دو ایرانی به نامهای محمد و شریف نیز که در ماجرای ترور شرکت داشته‌اند فراری و تحت تعقیب قرار دارند. گفته می‌شود شریف بلافاصله بعد از جنایت به ایران رفته است.

ادعای دادستان این دادگاه در واقع دولت جمهوری اسلامی ایران را در معرض اتهام قرار می‌دهد. در شماره‌های ۱ و ۲ خبرنامه چگونگی ترور در رستوران میکونوس و اظهارات برخی از شهرو را شرح دادیم. در جلسات اخیر دو افسر اداره پلیس جنایی آلمان و یک بازپرس به دادگاه احضار شده‌اند.

تروریسم دولتی

آقای هاینس سیمونز افسر اداره پلیس جنایی آلمان که در کمیته ویژه جنایت میکونوس مأمور بازجویی از یوسف امین بوده است روز ۲۰ ژانویه ۳۰ دی برای ادای شهادت به دادگاه احضار شد. او در پنج جلسه پیاپی در مورد اعترافات و اظهارات امین صحبت کرد: رئیس دادگاه پرسید چطور شد که به این افراد مشخص رسیدید و آنها را دستگیر کردید؟

- بر اساس یک گزارش سرویس اطلاعاتی فدرال که الان در پرونده وجود ندارد. گزارشی با عنوان «عملیات میکونوس» به تاریخ ۶ اکتبر ۹۲.

- سی‌دانیچ چرا این گزارش در پرونده نیست؟

- بله، ولی به دلیل محدودیت اظهارات نمی‌توانم بگویم.

این افسر پلیس اظهار کرد که در ۷ دسامبر ۹۲ براساس خواست دفتر صدراعظم گزارش مزبور از پرونده برداشته شد و یک گزارش دیگر به جای آن در پرونده گذاشته شد. ایرک برداشته شده از پرونده حاکی از این بود که سرویس امنیتی انگلیس به سرویس امنیتی آلمان درباره هویت تروریستها، مخفیگاه آنها، هویت آنها و ارتباطشان با سازمان امنیت ایران اطلاعاتی داده بود، و گفته بود که اثر انگشت یافته شده روی سلاخی که با آن به قربانیان شلیک شده متعلق به کیست. گزارش جانشین آن حاوی اطلاعات مشابهی بود منهای نام سرویسهای امنیتی و نیز نقش دارابی در این قضیه. در گزارش اصلی آمده بود که کاظم دارابی رهبر ترور در میکونوس بوده، مافوق او در سفارت ایران در بُن مستقر است، رابط ایشان در شهر رایبل زندگی می‌کند و... در آن گزارش حتی از اینکه پاسپورتهای جعلی تروریستها یکروز دیرتر از موعد مقرر آماده می‌شود، صحبت شده بود.

آقای سیمونز ادامه می‌دهد: تحقیقات ما منجر

یادداشت

در ماه گذشته نیز گستره و گوناگونی و تداوم سرکوب و ترور در جمهوری اسلامی ایران مظاهر و شواهد تازه‌ای یافت.

در آغاز دهه فجر (۱۲ بهمن)، هنگامی که هاشمی رفسنجانی به سخنرانی پرداخته بود ناگهان صدای شلیک چند گلوله برخاست. شخصی را دستگیر کردند و در آغاز هم گفتند که شلیکها از سر سبو و افعال بوده است و هاشمی رفسنجانی را هدف نداشته است. اما دو روزی پس از آن، مراجع حکومتی اعلام کردند که تیراندازی که به منظور ترور هاشمی رفسنجانی صورت گرفته است بخشی از توطئه‌ای گسترده و سازمان یافته بوده است و مسئولیت سازماندهی آن را نیز به این یا آن گروه از مخالفان سیاسی نسبت دادند و کسانی را نیز توقیف و زندانی کردند.

در همین ایام، هوسپیان مهر، کشیش پروتستان را ربودند و چند زمانی بعد جسد بیجان او در گوشه‌ای یافت شد. (نگاه کنید به ص. ۱) این سرکوب و خودسری و خفقان همچنان هم در ایران اعتراضهای جمعی و فردی بر می‌انگیزد و هم در سطح جهانی از سوی کشورهای خارجی و مراجع بین‌المللی اثناء و محکوم می‌شود: همزمان با آغاز دهه فجر، اعتراض و ناراضایی مردم در زاهدان و چند شهر دیگر بلوچستان به انفجار اجتماعی و سیاسی انجامید. شمار چشمگیر مجروحان و مقتولان و مجبورسان از شدت و حدت اعتراض و خشونت سرکوب حکایت می‌کند. (نگاه کنید به ص. ۲)

روز دوشنبه دوم اسفندماه، دکتر هما دارابی در تجریش به خودسوزی دست زد و صبح روز بعد در بیمارستان آراد (تهران) درگذشت. این پزشک متخصص در بیماریهای روانی تا سال گذشته، پیش از آنکه مشمول پاکسازی حکومتی شود، در دانشگاههای تهران به تدریس و تحقیق اشتغال داشت. هما دارابی از چهره‌های آشنا در جنبش دانشجویی - سیاسی سالهای آغازین دهه چهل بود و از همانزمان با آرمانهای استقلال‌خواهانه و آزادی‌طلبانه پیوندی پایدار یافت. خودسوزی این بانوی فرهیخته و مبارز، اعتراض به سرکوب و تحقیر زنان، اعتراض به تجاوز مستمر به آزادیهای فردی و جمعی در جمهوری اسلامی ایران است.

دوازدهم بهمن (اول فوریه) دولت آمریکا گزارش سالانه خود را درباره وضع حقوق بشر در کشورهای جهان انتشار داد. این گزارش مفصلی را به بررسی وضع نابسامان حقوق بشر در ایران جمهوری اسلامی اختصاص داده است. (برگردان فارسی در شماره‌های ۶۳-۱۱۶ روزنامه ایران تایمز، واشنگتن). در روز دوم فوریه نیز گزارش نهایی گالیندروپل نماینده مخصوص کمیسیون حقوق بشر ملل متحد درباره وضع حقوق بشر در ایران انتشار یافت (در خبرنامه آینده از این گزارش با تفصیل شایسته‌ای گفتگو خواهد شد). چکیده سخن این دو گزارش یکی است: در سال گذشته وضع حقوق بشر در ایران بهبودی نیافته است. اعدام و قتل و شکنجه همچنان هست. آزار اقلیت‌های دینی و سرکوب و تحقیر زنان همچنان هست. بند و زنجیر بر اندیشه و سخن و قلم همچنان هست. در این سرزمین نه دادی هست و نه دادرسی. همه چیز یکسره از خودسری بیحد و مرز حاکمان حکایت می‌کند. تروریسم دولتی، چه در خارج و چه در داخل، سیاست عریان چنین حاکمانی است.

وزارت خارجه جمهوری اسلامی این گزارش را «بی اساس، ساختگی و با هدف سیاسی خاص» نامید!